



ششمین کارگاه آموزشی و گفتمانی برنامه‌ریزی درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی

ششمین کارگاه آموزشی و گفتمانی برنامه‌ریزی درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی با حضور دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر علی محبی معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری و سرپرستان و روسای برخی از گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه‌های تربیت و یادگیری روز یکشنبه مورخ ۱۱ آبان ۱۳۹۹ در سالن شهید سلیمی جهرمی این سازمان برگزار شد.

در شروع این نشست علی محبی گفت: همانطور که مستحضرید مباحث دانشی مربوط به محتوا در یک جلسه توسط آقای دکتر ملکی ارائه شد و در این جلسات نکات عملیاتی قرار است توسط ایشان ارائه شود. دوستان و همکاران عزیز اگر نکات یا ابهاماتی دارند و یا اشکالاتی را وارد می‌دانند؛ آن‌ها را مطرح کنند که وارد فاز عملیاتی محتوا شویم. امیدواریم دو گام قبلی یعنی تدوین رویکرد و منطق و همچنین تدوین اهداف حوزه‌های تربیت و یادگیری؛ محکم برداشته شده باشد و اگر اشکالی دارد به مرور اصلاح شود و اهداف به صورت تلفیقی، حوزه‌ای و بین رشته‌ای به شورای برنامه‌ریزی گروه‌ها برسد.

معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری تأکید کرد: گام سوم ما یعنی گام محتوایی خیلی مهم است و ارتباط بسیار زیادی با گام دوم یعنی اهداف دارد. به نظر می‌آید که محتوا، اهداف و شایستگی‌ها از مهمترین عناصر برنامه درسی است.

دکتر محبی اظهار داشت: همزمان با دوستانی که روی بحث محتوا و اهداف کار می‌کنند، افراد و گروه‌هایی نیز روی عناصر دیگر دارند کار می‌کنند. یک گروه بحث روش‌ها را کار کرده‌اند که امروز اولین ویرایش آن را به من تحویل دادند. اشکالاتی داشت که من برایشان نوشتم. باید اصلاح کنند و بعد به روسای محترم گروه‌ها مراجعه کنند و بحث مربوط به هر گروه را با خود عزیزان آنجا در میان بگذارند و به‌عنوان پیش‌نویس به گروه‌ها ارائه کنند تا در دستور کار آن‌ها قرار بگیرد.



وی افزود: در بحث مربوط به ارزشیابی هم بررسی تطبیقی خیلی خوبی در کشورهای مختلف انجام گرفته است. محتوا کاملاً دسته‌بندی شده است و کار آن متناسب با گروه‌های مختلف در حال انجام است. امیدواریم که آن را تا آخر هفته به سرانجام برسانیم و بعد ارائه کنیم. یکی دیگر از عزیزان هم متولی بحث نقش خانواده است که آن بخش را تنظیم می‌کند. امیدواریم که تا پایان آبان‌ماه پیش‌نویس همه‌ی عناصر و مؤلفه‌های راهنمای برنامه درسی را داشته باشیم که دوستان ما در گروه‌های پژوهش و فناوری ۱۱ گروه کارشان را انجام بدهند.

سه رویکرد نسبت به محتوا

در ادامه دکتر محبی به مرور صحبت‌های مطرح شده توسط دکتر ملکی در نشست قبلی فطرت‌گرایی توحیدی پرداخت و گفت: آقای دکتر ملکی در نشست قبلی فطرت‌گرایی توحیدی راجع به محتوا فرمایشاتی داشتند. یک بحث مقدماتی داشتند و بعد به اصول سازماندهی محتوا پرداختند. در آنجا فرمودند که ما سه رویکرد نسبت به محتوا داریم که دو رویکرد یا دو دیدگاه افراط و تفریطی هستند. یک عده برنامه درسی را معادل محتوا می‌دانند و اصلاً معروف‌اند به تک عنصریون. این‌ها کسانی هستند که برنامه درسی را چیزی فراتر از محتوا نمی‌پندارند. در مقابل این‌ها پیشرفت‌گرایان به سرکردگی افرادی مثل جان دیویی قرار می‌گیرند که این‌ها تفریطی هستند و اعتقاد دارند که اصلاً محتوا جزو عناصر برنامه درسی نیست و اصلاً محتوا لازم نیست، بنابراین همه چیز تحت تجربه زیسته دانش‌آموز و معلم محقق می‌شود و همه چیز سر کلاس رقم می‌خورد.

وی افزود: اما دیدگاهی که به نظر می‌آید دیدگاه معتدلی است این است که محتوا اتفاقاً از مهمترین عناصر برنامه درسی است. ما هم محتوا را به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر برنامه درسی قبول داریم و کارمان را براساس این رویکرد قبول داریم.

اصول ضروری در تدوین محتوا

معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری یادآور شد: دکتر ملکی بعد از بحث مقدماتی وارد اصول شدند و به برخی اصول که لازم است ما در تدوین محتوا توجه ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشیم تأکید کردند. یکی از آن اصول توجه به اهداف و سیاست‌های کلان است. اصل دیگر توجه و پیروی از اهداف برنامه درسی حوزه مربوطه و برنامه درسی ملی است که ما باید به آن به‌عنوان اسناد بالادستی بپردازیم. یکی دیگر از مسائلی که باید به آن پرداخته شود توجه به مسائل و نیازهای اجتماعی است. وقتی ما به مبانی طراحی درسی مراجعه می‌کنیم یکی از آن‌ها مبانی جامعه‌شناختی است و مبانی جامعه‌شناختی یعنی اصل توجه به مسائل و نیازهای اجتماعی و دغدغه‌هایی که جامعه با آن مواجه است و انتظاراتی که جامعه از تعلیم و تربیت



عمومی دارد. یکی دیگر از مبانی در مبانی برنامه درسی، مبانی روان‌شناختی است و مبانی روان‌شناختی هم یعنی توجه به علایق و ویژگی‌ها و شایستگی‌های متربی. مبانی سوم هم مبانی فلسفی است که همه آن‌ها باید به‌عنوان اصول در تدوین محتوا مورد توجه قرار گیرد.

دکتر محبی ادامه داد: اصل وحدت و یکپارچگی و اصل توجه به رشد همه جانبه و تک‌نگری نگاه نکردن دیگر اصولی است که به ما دیکته می‌کند و می‌آموزد که هر حوزه‌ی تربیت و یادگیری باید خودش را به‌عنوان یک بخش از یک مجموعه به هم پیوسته ببیند. درست است که حوزه پیش دبستان در میان گروه‌های یازده گانه قرار نمی‌گیرد ولی پیش دبستان هم باید گروه‌های یازده گانه را در خودش ببیند. ما وقتی از وحدت و یکپارچگی صحبت می‌کنیم هم وحدت حوزه‌ای داریم و هم وحدت ساحتی. ۶ ساحت تربیت و یادگیری داریم که هر کدام از گروه‌ها باید جای خودش را در هر کدام از آن ساحت‌ها ببیند و نقشی که باید در دیگر ساحت‌ها ایفا کنند را هم ببینند. بنابراین همه حوزه‌ها باید حواس‌شان به این باشد که وحدت و یکپارچگی را حتماً مد نظر قرار بدهند.

وی افزود: آقای دکتر ملکی اصول دیگری مثل اصل برهان‌محوری را هم مطرح کردند. برهان‌محوری به این معناست که محتوایی که ما مطرح می‌کنیم باید دو ویژگی برجسته داشته باشد. اول این که خود محتوا عقل‌محور و استدلال‌محور داشته باشد و هر کس به آن مراجعه کرد ما پشتوانه‌ی عقلی و استدلالی قوی برای آن داشته باشیم. دوم این که این محتوا باید تعقل‌پرور و استدلال‌پرور باشد. یعنی وقتی این محتوا به دانش‌آموز ارائه می‌شود، دانش‌آموز فکور، خلاق، جستجوگر و پرسش‌گر بار بیارید، نه دانش‌آموز منفعلی که منتظر است یک چیزی را به او بگویند. محتوا باید دانش‌آموز را از همان ابتدا تعقلی، تفکری و استدلالی بار بیاورد که ان شاء الله بتواند کار خودش را انجام بدهد.

طرح پرسش‌ها توسط سرپرست گروه علوم تجربی

در ادامه نشست احمد احمدی سرپرست گروه علوم تجربی برخی سوالات و ابهامات را مطرح کرد. احمدی گفت: در صفحه ۱۲ و ۱۳ برنامه درسی ملی در بحث رویکرد و جهت‌گیری‌های کلی که عناصر مختلف را دارد توضیح می‌دهد بعد از بند اول که محتوا را مجموعه‌ای منجسم و هماهنگ از فرصت‌ها، تجربیات و یادگیری می‌داند، در بند دوم می‌گوید که محتوا دربرگیرنده ایده‌های کلیدی و مفاهیم و مهارت‌های اساسی مبتنی بر شایستگی‌ها یا همان اهداف حوزه‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان است. آیا ما می‌خواهیم مدلی براساس بند ۲ را دنبال کنیم یا همان ویژگی‌های کلی که آقای دکتر ملکی مطرح



کردند را دنبال کنیم و بعد یک تقسیم‌بندی دانشی، مهارتی و نگرشی داشته باشیم و چپش‌ها براساس آن‌ها انجام شود؟ چون این‌ها واقعاً دو نوع تولید محتوای مختلف برای بخش برنامه درسی است.

مسئول گروه علوم تجربی بیان کرد: در صفحه ۴۰ برنامه درسی ملی که بحث مربوط به اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری است وقتی آن بندها را مطالعه می‌کنیم اغلب ویژگی‌های خود محتوا است. یعنی هم ویژگی‌های راهبردهای یاددهی-یادگیری است و هم ویژگی‌های محتوا است. مثلاً در یکی از بندها می‌گوید "امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش‌آموزان فراهم کند." که این ویژگی هم ویژگی راهبرد یاددهی-یادگیری است و هم ویژگی محتوا است. از این جهت فکر می‌کنم که صفحه ۴۰ و ۴۱ برنامه درسی ملی هم به صفحه ۱۲ که مطالبی را در ارتباط با محتوا آورده است کمک می‌کند.

احمدی یادآور شد: برنامه‌های قبلی این‌طور بود که ما ایده‌های کلیدی را مشخص می‌کردیم و بعد مفاهیم اساسی و مفاهیم اساسی را بر اساس آن‌ها مشخص می‌کردیم و بعد خرده مفاهیم‌ها و خرده مهارت‌ها وارد کار می‌شدند.

پاسخ محبی به سوالات احمدی

سپس دکتر علی محبی به سوالات و ابهاماتی که توسط احمدی مطرح شد پاسخ داد. محبی گفت: آن‌چه که آقای دکتر ملکی مطرح کردند و بنده هم امروز تأکید کردم خود محتواها نبود، بلکه اصول تهیه و تدوین محتوا و اصول سازماندهی بود. بنابراین نکاتی که در جلسه قبل و در این جلسه مطرح شد با آن‌چه که در برنامه درسی ملی آمده است تعارضی ندارد.

معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های یادگیری در ادامه بیان کرد: در مورد صفحه ۴۰ برنامه درسی که بندی تحت عنوان راهبردها مطرح شده باید این را در نظر داشت که وقتی می‌خواهیم ویژگی‌های راهبردها را بگوییم آن ویژگی ممکن است ویژگی محتوا هم باشد. به نظر من این هم اشکالی ندارد. مثلاً می‌گوید محتوا باید طوری تهیه شود که رشد همه جانبه متربی را مد نظر قرار بدهد. وقتی می‌خواهی روش را بگویی نیز همین را می‌خواهی مطرح کنی. بنابراین منافاتی ندارد اگر بعضی از ویژگی‌های این‌ها مشترک باشد.

دکتر محبی در ادامه خطاب به مسئول گروه تجربی گفت: این که شما به ایده‌ها، مفاهیم و مهارت‌ها پردازید با آن‌چه که دکتر ملکی مطرح کردند و از دانش، نگرش و مهارت سخن گفتند تفاوت زیادی با هم ندارند. علم برنامه درسی ملی بحث دانش، نگرش و مهارت را مطرح می‌کند و در راهنمای ما بحث ایده‌ها، مفاهیم و مهارت‌ها آمده است. به نظر من شما باید این‌ها را با



همدیگر تلفیق کنید. این کار شدنی است. وقتی ما از مفاهیم اساسی حرف می‌زنیم این مفاهیم در دانش و بعضی از آن‌ها در نگارش و مهارت هم می‌گنجد.

رویکردهای خرد در انتخاب محتوا

این نشست در ادامه با حضور دکتر حسن ملکی و صحبت‌های وی درباره "انتخاب محتوا در چارچوب راهنمای برنامه درسی" ادامه یافت. رئیس سازمان پژوهش در شروع سخنانش گفت: در انتخاب محتوا رویکرد عام ما فطرت‌گرایی توحیدی است که به‌عنوان یک چتر برنامه‌ی درسی بالای سر همه ما قرار دارد و رویکرد خاص آن هم رویکردی است که خود گروه مربوطه براساس ماهیت کار خودش انتخاب می‌کند. این‌ها رویکردهای کلان ما هستند و ما یک سری رویکردهای خرد هم داریم.

دکتر ملکی افزود: رویکردهای خرد رویکردهایی است که ما در تک تک عناصر دنبال خواهیم کرد. ما در محتوا می‌توانیم از رویکرد خرد انتخاب محتوا حرف بزنیم. می‌توانیم در عنصر هدف از رویکرد خرد تدوین حرف بزنیم. می‌توانیم در عنصر روش‌های تدریس از رویکرد خرد پیشنهاد روش‌های تدریس حرف بزنیم. می‌توانیم در عنصر ارزشیابی از رویکرد خرد طراحی نظام ارزشیابی برنامه درسی خودمان حرف بزنیم. همچنین می‌توانیم در عنصر خانواده از رویکرد مربوط به مناسبات با عنصر خانواده حرف بزنیم.

رویکرد خرد اول: رویکرد تعلیمی و تربیتی

ملکی در ادامه با طرح این پرسش که در عنصر محتوا رویکرد انتخاب محتوای ما چیست، افزود: در این جا بنده دو رویکرد خرد مطرح می‌کنم که این دو ضد هم نیستند بلکه مکمل هم‌اند. یعنی اگر ما متوجه این دو رویکرد شویم و عمل کنیم دو وجه یک چیز را دنبال می‌کنیم. رویکرد اول ما این است که محتوا را با رویکرد تعلیمی انتخاب کنیم یا رویکرد تربیتی یا رویکرد تعلیم و تربیتی؟ اگر بگوییم رویکرد ما تعلیمی است معنایش این است که محتوای ما مجموعه دانشی است نظام‌یافته که در مواد و رسانه‌های ما ساماندهی می‌شود و یکی از آن‌ها هم کتاب درسی است. این‌ها بُعد تعلیمی دارند و ما در این جا چندان به جنبه‌های تربیت اندیشه نمی‌کنیم. این با رویکرد موضوع محور، علم محور و امثالهم تناسب بیشتری دارد.

وی افزود: در گذشته خیلی از کتاب‌های ما رویکرد تعلیمی داشتند ولی الآن با تلاش‌هایی که کرده‌ایم از این فاصله گرفته‌ایم. اما می‌خواهم بگویم که مبادا ما در موقعیت جدید هم مبتلا به این شویم که محتوا را با رویکرد تعلیمی صرف انتخاب کنیم.



حال آیا رویکرد تعلیمی به طور مطلق کنار گذاشتنی است؟ خیر، اصلاً این عرض را ندارم. می گویم صرفاً رویکرد تعلیمی نباید باشد.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در ادامه بیان کرد: نقطه مقابل رویکرد تعلیمی رویکرد تربیتی است. البته وقتی از تربیت صحبت می کنیم ذهن شما نباید به سمت تزکیه برود بلکه منظور تربیت به معنای روان شناسی تربیتی است و رویکرد تربیتی به این معناست که مهارت، عمل، تلاش های ذهنی و تلاش های عملی اولویت پیدا می کند. یعنی هر جا تربیت مطرح باشد باید متربی وارد میدان شود و خود متربی فکر و تلاش کند و خود او وارد مباحثه شود. بنده اسم این رویکرد را رویکرد تربیتی می گذارم. ضمن این که ممکن است در این رویکرد تربیتی همه ی ابعاد تربیت اعم از تربیت عقلانی، تربیت اجتماعی و تربیت علمی مد نظر باشد، اما در این رویکرد آن تعلیم و دانشی که برای ما دارای اهمیت است دیگر مد نظر نباشد. بنده می گویم که رویکرد تربیتی هم کنار گذاشتنی نیست ولی تنها منحصر شدن به رویکرد تربیتی با برنامه درسی ما سازگار نیست. دکتر ملکی تأکید کرد: با برنامه درسی ملی، رویکرد تعلیمی و تربیتی سازگار است. یعنی باید در انتخاب محتوا به این توجه داشته باشیم که دانش و علم با اصالت برای ما ارزش دارد. این گونه نیست که مانند اکانستراکتیویسم ها و ساختارگراها بگویم دانش در بیرون موضوعیت ندارد و همه دانش ها در ذهن ساخته می شود. ما همچنین اعتقادی نداریم. ما اعتقاد داریم که خود دانش اصالت و موضوعیت دارد. در رسالت انبیاء هم آن ها آمده اند تا "یزکیهم و یعلمهم" باشند. این یعلمهم نشان می دهد علمی هست که آن ها می خواهند تعلیم دهند. اما اگر فقط تعلیم باشد معنایش این است که ما وجود یادگیرنده که دارای عقل، اراده، اختیار، ابتکار و خلاقیت است را نادیده گرفته ایم و به بعد تربیتی او چندان توجه نکرده ایم. یعنی یادگیرنده را فقط به عنوان یک دریافت کننده علم قبول داریم و نه به عنوان کسی که باید تلاش کند تا علم را بفهمد. اما چنانچه ما تربیت و تعلیم را توأمان داشته باشیم نتیجه آن تولید علم و دانش می شود. هر جا تربیت با تعلیم گره بخورد از آنجا دانش تولید می شود. تولید دانش مربوط به نقطه اتصال تعلیم با تربیت است. نه تربیت تنها می تواند مولد دانش باشد و نه تعلیم تنها می تواند مولد دانش باشد. بنابراین ما در انتخاب محتوایمان رویکرد تعلیمی و تربیتی را داریم.

رویکرد خرد دوم: بخشی از محتوا باید از پیش طراحی شده باشد

معاون وزیر آموزش و پرورش درباره رویکرد خرد دوم در انتخاب محتوا گفت: سوال این است که آیا ما اعتقاد داریم همه چیز محتوا را باید از قبل با رویکرد تعلیمی و تربیتی طراحی کنیم یا اعتقاد داریم که بخشی از این محتوا از قبل طراحی کردنی



نیست و منطق یادگیری هم به ما اجازه نمی‌دهد که ما همه چیز را از قبل طراحی کنیم؟ ما ناگزیر هستیم که بخشی از محتوای ما اصطلاحاً **Preplanned** باشد. یعنی بخشی از آن از پیش طراحی شده باشد نه همه محتوای ما. اصلاً منطق تربیت و یادگیری اقتضا نمی‌کند که همه‌ی محتوای ما از پیش طراحی شده باشد. ما به‌عنوان بزرگسالانی که شورا تشکیل داده‌ایم و فکر و اندیشه کرده‌ایم حدود ۷۰ درصد محتوا را با درایت انتخاب کرده‌ایم و معتقدیم این محتوا از قبل طراحی شده و باید تدریس شود، اما آن ۳۰ درصد باقی‌مانده چطور؟ اعتقاد داریم که آن ۳۰ درصد باید در تعاملات تولید شود. حالا یا در کلاس درس و یا در بیرون از کلاس درس. البته این مسئله درصد بردار نیست و این یک بحث کیفی است و بنده آن را فقط جهت تقریب ذهن همکاران گفتم. پس در اینجا رویکرد ما رویکردی است که بخشی از محتوای ما از قبل طراحی شده است و یک بخشی از آن هم ضمن تعاملات طراحی خواهد شد.

ایده کلیدی راه را برای ما شفاف می‌کند

دکتر ملکی تأکید کرد: با دو رویکرد خردی که عرض کردم اگر بخواهیم چارچوبی را به شما معرفی کنیم یک عنصر همان عنصر ایده کلیدی است. ما این ایده کلیدی را ۲۰ سال قبل مطرح کرده‌ایم، منتها مانده است چون ماندگار است و باید آن را حفظ کرد. ایده کلیدی مفاهیم انتزاعی است که هنوز دارای تصاویر ذهنی شکل یافته و دقیق نیستند، اما وقتی که از ایده کلیدی حرف می‌زنیم از مفاهیم انتزاعی خیلی کلی داریم حرف می‌زنیم. به قدری کلی هستند که هنوز تصویر ذهنی روشن و شفافی برایش نداریم چون مفهوم وجود ذهنی است. ایده‌های کلی هم وجود ذهنی هستند ولی خیلی ذهنی و انتزاعی‌اند. ایده یک نوع نوآوری و خلاقیت است و با مطرح کردن یک ایده راه برای شیوه‌های نو، مفاهیم و اصول و قوانین متعدد دیگر باز می‌شود. اما راه ما چیست که باید باز شود؟ راه ما انتخاب محتوا است. ایده کلیدی راه را برای ما شفاف می‌کند.

رئیس سازمان پژوهش افزود: ایده کلیدی باید از روح حاکم بر اهداف استنباط شود. در واقع مبنا اهداف است. ما در اهداف باید بیندیشیم و فکر کنیم و روح حاکم بر اهداف را درک کنیم. هر اهدافی یک روح دارد که آن روح را باید فهمید. چه کسی می‌تواند این روح را بفهمد؟ ممکن است یک فرد یک نظری داشته باشد، اما ایده کلی به‌عنوان مفاهیم انتزاعی برگرفته از اهداف کار یک گروه و شورای خبره است. این که اصرار داریم هر گروهی شورا نداشته باشد کارهایش اتر است به خاطر همین است. برنامه‌ریزی درسی ماهیتاً کار گروهی است و فرد نمی‌تواند کاری کند.



ملکی با بیان این که قدم اول تفکر در اهداف به قصد کشف روح حاکم بر آن اهداف یا روح پنهان در بطن آن اهداف است، افزود: مرحله دوم این است که سعی کنیم روح دریافت شده را در قالب مناسب یا یک واژه یا یک عبارت بیان کنیم. ممکن است ایده کلی ما یک کلمه و ممکن است یک عبارت باشد. ایرادی ندارد. مهم این است که بشود بیان کرد.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی بیان کرد: راه دیگری که وجود دارد تا ما ایده کلی و روح حاکم را خوب بفهمیم یک تکنیک خلاقانه است به نام **Brain Storming** (بارش مغزی). شما در فهم روح اهداف و دریافت ایده کلی به بارش مغزی خیلی اهمیت بدهید. افراد بیایند نظر بدهند که ایده‌های کلی چه چیزهایی می‌تواند باشد. تعیین این ایده کلی هم با خلاقیت رابطه دارد. معمولاً ایده‌پردازی در بحث خلاقیت مطرح می‌شود. ایده کلی هم محصول خلاقیت است و هم زمینه خلاقیت. محصول خلاقیت است یعنی هر مقدار آن شورا و آن فرد تفکر خلاق داشته باشد در فهم ایده کلی بهتر عمل می‌کند. بعد این ایده که محصول خلاقیت است خودش زمینه‌ای می‌شود برای خلاقیت‌های بعدی.

عناصر اصلی و چهارگانه برنامه درسی

دکتر ملکی در ادامه به عناصر اصلی برنامه درسی اشاره کرد و در این باره گفت: دقت داشته باشید که بعد از رسیدن به ایده کلی سه عنصر مهارت‌های اساسی، مفاهیم اساسی و ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی عناصر اصلی برنامه درسی است. اگر یکی از این سه عنصر را حذف کنید برنامه درسی شما لرزان خواهد شد.

رییس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با بیان این که علاوه بر سه عنصر اصلی برنامه درسی یک عنصر مهم دیگر هم وجود دارد، افزود: رویکرد ما باید تعلیمی و تربیتی باشد و اگر بخواهد این تعلیم و تربیت پیوند بخورد و اصطلاحاً چفت شود، احتیاج به فرآیندها دارد. مدیران گروه‌های تربیت و یادگیری باید ببینند کدام فرآیندها برای گروه آن‌ها اولویت دارد تا بتواند بعد تعلیمی و تربیتی را به هم پیوند بزند. برنامه درسی هم باید دو بعد تعلیمی و تربیتی را داشته باشند و این دو بعد باید به وسیله‌ی فرآیندهای تعلیمی و تربیتی پشتیبانی شوند. بنابراین یک عنصر چهارمی هم وجود دارد که همان عنصر فرآیندها است. وی افزود: معروف‌ترین فرآیند که اصطلاحاً مولای درزش نمی‌رود و همه قبولش داریم فرآیند تفکر است. البته ممکن است در مطالعات اجتماعی فرآیندهایی باشد و در علوم فرآیندهای دیگر، اما بعضی فرآیندها مشترک هستند. مثلاً تفکر یا تحقیق فرآیند مشترک هستند.



تدوین محتوا در گروه تجربی و گروه زبان و ادبیات فارسی

در ادامه احمد احمدی سرپرست گروه علوم تجربی درباره فعالیت‌های گروه تجربی در زمینه تدوین محتوا اظهار داشت: ما به یک ایده کلی خیلی بزرگ تحت عنوان "علوم تجربی جهان مادی را سامانه‌ای کلان در نظر بگیرد و این سامانه از چند منظر مطالعه شود" رسیدیم. بعد به ایده‌های کلیدی متناسب با این ایده بزرگ یکی ساختار و عملکرد، روابط و الگوها و پایداری، تغییر و اندازه‌گیری رسیدیم و در ارتباط با مهارت‌ها نیز به ایده کلی روش علمی رسیدیم. ما این‌ها را به عنوان ایده کلیدی کل در نظر گرفتیم و بعد آمدیم برایشان مفاهیم و مهارت‌های اساسی مشخص کردیم و بعد از آن خرده مفاهیم و خرده مهارت‌ها را مشخص کردیم. بعد از این کل خارج شدیم و وارد دوره‌ها شدیم و دوره‌ها را براساس ایده‌های کلیدی سطح زدیم.

همچنین معصومه نجفی پازوکی معاون برنامه‌ریزی دوره ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری نیز در این باره گفت: من در مورد زبان فارسی در دوره اول ابتدایی کار کرده بودم. آقای دکتر ملکی، بحث شما برای من خیلی جذاب بود، به این دلیل که کاملاً با آن مسیری که ما رفتیم انطباق داشت. ما حدود ۲۰۰ ساعت جلسه با کارگروه تخصصی داشتیم و اهداف را حتی تا سطح پایه‌ها ریز کردیم و استانداردهای پایه را هم درآوردیم. بعد توانستیم ۴ ایده کلی را از میان اهداف استخراج کنیم. ۴ ایده کلیدی ما برای زبان فارسی شامل صورت زبان، معنی، کاربرد و خلق ادبی بود که این ایده‌ها واقعاً مسیر ما را نظم دادند و ما توانستیم تمام مسیرمان را منظم و دسته‌بندی کنیم.

دکتر محبی درباره سخنان نجفی پازوکی گفت: من فکر می‌کنم آنچه که خانم دکتر نجفی فرمودند با بحث ایده‌های کلیدی و بحث مهارت‌ها، مفاهیم و ارزش‌های اساسی قدری متفاوت بود. ایشان آمده‌اند مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های اساسی را سطح زده‌اند و سطح‌بندی کرده‌اند و گفته‌اند ۴ سطح صورت، معنی، کاربرد و خلق جایی است که دانش‌آموز را باید به آن برسانند. این خوب است ولی جای ایده کلیدی را نمی‌گیرد. ایده کلیدی یک چیزی است که بر همه این‌ها سایه می‌اندازد. در واقع ایده کلیدی واسط بین اهداف و محتوا است.

نسبت بین ایده کلی با عناصر چهارگانه

در ادامه دکتر ملکی درباره برخی ابهامات مطرح شده توضیحاتی را ارائه داد. رئیس سازمان پژوهش گفت: نکته اول این است که به نظر می‌رسد نسبت بین ایده کلیدی با عناصر اربعه و چهارگانه، نسبت جزء و کل است. یعنی ایده کلیدی یک کل است و مفاهیم اساسی، مهارت‌های اساسی، ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی و نیز فرآیندها و روش‌ها، اجزاء و مولفه‌هایی هستند که از



دل ایده کلی استنباط و استنتاج می شوند. درست است که در بعضی از موارد ممکن است این عناصر اربعه نسبت به ایده کلیدی جنبه روشی هم داشته باشند، اما اصالت با آن نیست. اصالت با رابطه جزء و کل است. در مثل مناقشه نیست. بدن ما یک کل به مثابه ایده کلی است. بدن ما دست، پا، مغز و... دارد و اینها به مثابه آن عناصر چهارگانه هستند.

تفاوت مهارت با فرآیند اساسی

وی افزود: نکته دوم این است که ما یک جا حرف از مهارت زده ایم و یک جا گفته ایم فرآیند. ممکن است این سوال مطرح شود که فرق اینها با هم چیست. ما در مهارت های اساسی معین می کنیم کدام مهارت های اساسی، همین. اما فرآیندها و روشها مکانیزم تحقق آن مهارت ها هستند. وقتی می گوئیم فرآیند X، یعنی داریم از یک سیر و فرآیندی حرف می زنیم که اگر اعمال شود فلان مهارت محقق خواهد شد. درباره تفکر عرض می کنم که تفکر یک مهارت اساسی است ولی فرآیند اندیشه ورزی یک فرآیند است.

مثال دکتر ملکی از ایده کلیدی و عناصر چهارگانه آن

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی سپس مثالی از ایده کلیدی و عناصر چهارگانه مرتبط با آن را مطرح کرد. ملکی گفت: برای مثال "جامعه تحول گرا" یک ایده کلیدی است. حالا بنده اگر بخواهم در ارتباط با این ایده کلیدی به یک مفهوم اساسی، یک مهارت اساسی و یک ارزش اساسی اشاره کنم، مفهوم اساسی من "نقش فرد در جامعه تحولی"، مهارت اساسی من "نقد و اصلاح اجتماعی" و ارزش اساسی من "سلامت جامعه" است. هر سه اینها به ایده کلی جامعه تحول گرا وصل است. مهارت دیگری که می توانم مثال بزنم "قوه تحلیل اجتماعی" است. فرآیندهای اساسی را هم به تناسب می شود پیدا کرد. وی در پایان سخنانش گفت: من به توان کارشناسی همکاران تردید ندارم و فکر می کنم در هر یک از گروهها کافی است که فقط به اهداف شان اندیشه کنند. بی تردید ایده های کلیدی را دریافت می کنند و از طریق ایده های کلیدی به عناصر اربعه هم خواهند رسید. منتها فراموش نکنیم که ما از مسیر برنامه درسی ملی نباید زاویه بگیریم. همیشه باید به خاطرمان باشد که ما اگر راجع به مهارت، مفاهیم و ارزشها و نگرشها حرف می زنیم در میدان مفهومی برنامه درسی ملی داریم حرف می زنیم. آن میدان را خاطرمان باشد. بر همین اساس مشترکاً کمک کنیم تا گروهها دیگران شاء الله وارد عنصر محتوا شوند.